



پذیرفت. «خانواده قاتل آن زمان، دو میلیارد تومان برای خون بها و دیه پیشنهاد کرده بود، اما پدرم گفت من به خاطر رضای خدا می گذرم. پس از این معامله بزرگ، حالا پدر و مادرم آرامش بیشتری پیدا کرده و نه تنها از تصمیمی که گرفته اند، پشیمان نیستند بلکه هر لحظه خدا را شکر می کنند که توانستند با توسل به ائمه، آن تصمیم را بگیرند.»

به گفته برادر، شهید هادی به شدت نسبت به حق الناس حساس بود: «شهید دو خودکار در جیب داشت که یکی برای کارهای اداری بود و دیگری برای استفاده شخصی و او هرگز از خودکار اداری برای کارهای شخصی استفاده نمی کرد. رعایت حقوق عامه برایش مهم بود. هرگز موتور را روشن وارد محل نمی کرد و می گفت نباید صدایش مردم را آزار دهد. برای پدر و مادر احترام و ویژه ای قائل بود و آیه ای هم بالای سرتاقش بود که در آن، به احترام و اطاعت از پدر و مادر تاکید شده بود.»



گفت وگو با برادر مامور پلیس تهران که شب چهارشنبه سوری مجروح شد
و ۲ ماه بعد به شهادت رسید

بخشش بزرگ پای چوبه دار

حدود هفت سال از شهادت هادی می گذرد. جوان دلآوری که قربانی شادی لحظه ای یک نفر در شب چهارشنبه سوری سال ۹۳ شد. شادی چند دقیقه ای که به قیمت شکستن کمر پدر و مادر و خم شدن قامت رشید برادرانش تمام شد. حرف جوان دلآوری را می زنیم که قرار بود تشکیل خانواده دهد، بشود آقا داماد و دست عروستش را بگیرد و به خانه بخت بروند، اما نشد، آن هم فقط به خاطر یک لحظه شنیدن صدای انفجار. جعفر جوان دلآور، برادر بزرگتر هادی است. برادری که با گذشت نزدیک به هفت سال از شهادت برادر جوانش، هنوز هم وقتی از آن روزها حرف می زند، چشمانش نمناک می شود.

برادر بزرگ هادی از روز حادثه می گوید: «شب چهارشنبه آخر سال ۹۳ من مسؤول یکی از امامزاده ها بودم. شب حادثه از گوشی هادی با من تماس گرفتند. پرسیدم هادی کجاست؟ گفت به خاطر حادثه ای زخمی شده و نمی تواند صحبت کند به بیمارستان بیاورید. با خودم فکر کردم هادی باید مستقیم به خودم زنگ می زد و می گفت پدر و مادر چیزی نفهمند و خودت به بیمارستان بیا. اما این تلفن با تماس های دیگر فرق داشت. به تماس گیرنده گفتم گوشی را به هادی بده صحبت کند، گفت زیر دست دکتر است و نمی تواند صحبت کند. فهمیدم موضوع جدی تر از این حرف هاست. آن شب وسیله نقلیه به سختی پیدا می شد و برای همین با موتور به بیمارستان رفتم. جلوی بیمارستان موتورهای نیروی انتظامی را دیدم. وقتی داخل بیمارستان شدم، با چشم دنبال هادی می گشتم که دیدم چند پزشک دور یک نفر که خون آلود است، جمع شده اند. جلوتر رفتم و نگاهش کردم، اما نشناختم. ناگهان چشمم به گرمکنی افتاد که می پوشید تا وقتی سوار موتور می شود، سردش نشود. خود هادی بود. زانوهایم سست شد و افتادم روی زمین. دکتر گفت نازنچک دستی به کلاه کاسکتش اصابت کرده و بر اثر آن به جمجمه اش آسیب جدی وارد شده است. قرار بود جراحی اش کنند، اما عمل پرریسکی بود و پزشکان احتمال می دادند هادی نتواند زیر عمل دوام بیاورد.»

برادر، می دانست که پدر و مادرش بالاخره با گوشی هادی تماس می گیرند. برای همین تلفن هادی را از دسترس خارج کرد و با گفتن یک دروغ مصلحتی که مادرش با شنیدن آن آرام شود، به خانه برنگشت. «صبح دکترها گفتند باید رضایت پدر برای جراحی باشد. زنگ زدم به پدرم گفتم به بیمارستان بیا. هادی کمی سوخته است و باید جراحی شود. حاج خانم را هم بیاور. با دکتر

پس از شهادت هادی، حالا نوبت حساسی به حساب و کتاب کسی بود که هادی را با نازنچک دستی در شب چهارشنبه سوری به شهادت رسانده بود: «در مراحل اولیه، قاضی پرونده، ضارب را هم آزاد کرد، اما با ارائه مدارک توسط ما، دادگاه مجاب شد که قاتل مرتکب قتل عمد شده است. به دلیل پایه تربیت مذهبی که در خانواده داشتیم، در نهایت به اینجا رسیدیم که اگر قرار است بخششی هم صورت گیرد، باید در اوج قدرت این اتفاق بیفتد. خیلی درگیر بودیم که حکم را اجرا کنیم یا نه و برای همین پدر و مادر تصمیم گرفتند فرصت بیشتری برای فکر کردن داشته باشند و به همین علت، اجرای حکم را عقب انداختیم. در مرحله آخر، دیگر پای اجرای حکم در میان بود و باید تصمیم نهایی را می گرفتیم.»

برادر بزرگتر با پدر و مادر صحبت کرد و گفت با رضایت خودمان و به دلیل عظمت اسم امام حسین و حضرت علی اکبر، قاتل را ببخشیم و مادر هم به واسطه آن تربیت مذهبی که داشت،

نظرسنجی روزنامه جام جم

همراه عزیز، لطفا با ارائه بازخورد درباره روزنامه جام جم، به ما در بهبود خدمات آتی کمک کنید. کافی است با اسکن QR Code روبه رو و یا مراجعه به نشانی jamejamdaily.ir وارد سامانه نظرسنجی شوید و نظرات خود را برای ما ارسال کنید. موسسه جام جم



کارت هوشمند ناوگان به شماره ۳۲۱۵۱۷۱ متعلق به خودرو مینی یوس هیوندای کروز، به رنگ سفید روغنی، مدل ۱۳۸۵، شماره انتظامی ایران ۳۲-۵۷۱۴۵، شماره موتور 37912005237008 و شماره شاسی 37901784904361 مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

سند برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶، مدل ۸۴، رنگ مشکی، به شماره انتظامی ۱۶۲ ال ۲۷-ایران ۴۶، شماره موتور 10FSS15066391 و شماره شاسی 19828016 به نام مهدی ایران کردسوره مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت خودرو پژو روآ دوگانه سوز، مدل ۱۳۸۶، به رنگ نوک مدادی متالیک، شماره انتظامی ایران ۱۳-۴۷ط ۷۶۱، شماره موتور 11686016262 و شماره شاسی 61332366 به نام سید محمد فهیمی اصفهانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مفقودی

پروانه بهداشتی ساخت کنسرو ماهی تن در روغن به شماره ۱۱۱۶۲/۴۷، کنسرو ماهی تن در روغن با شوید به شماره ۱۲۷۷۶/۴۷ با نام تجاری آریا، آریافر، میلاد، مالا مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده (نوبت سوم)

شرکت تعاونی مصرف و خدمات کلرکنان صنایع شهید باقری به شماره ثبت ۳۵۱۳۳۳ با عنایت به اینکه در جلسه نوبت دوم مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۹/۰۷/۲۳ نیز حد نصاب لازم جهت رسمیت جلسه حاصل نگردید، به این وسیله از اعضای محترم شرکت دعوت می گردد تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم که در ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۹/۰۸/۱۷ در محل نمازخانه صنایع شهید باقری برگزار می گردد، حضور بهم رسانند.

تذکره ۱: در صورتی که هر یک از اعضا نتوانند در مجمع عمومی حضور یابند می توانند حق رای خود را به یک نماینده تام الاختیار خود از میان اعضا یا خارج از آن واگذار نمایند. عضو متقاضی اعطای نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت ۷ روز پس از انتشار این آگهی به همراه نماینده خود در محل شرکت حاضر تا پس از احراز هویت طرفین و تأیید و کالت، برگ نمایندگی و ورود به مجمع عمومی برای نمایندگی صادر گردد. ضمناً هر عضو می تواند و کالت ۳ عضو غیر عضو فقط و کالت یک عضو را به عهده گیرد.

لازم به ذکر است که مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم با هر تعداد از اعضای حاضر در مجمع رسمیت خواهد داشت و کلیه تصمیمات اتخاذ شده برای تمامی اعضا اعم از حاضر، غایب و مخالف قابل اجرا خواهد بود.

دستور جلسه: ۱- انحلال شرکت

باتشکر- هیات مدیره